

به نام خدا

بررسی عوامل موثر بر اشتغال غیرزراعی در استان خراسان<sup>۱</sup>  
فاطمه پاسبان، عضو هیات علمی مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد کشاورزی  
Email: [fpaseban@yahoo.com](mailto:fpaseban@yahoo.com)

کد مقاله : PD142

## چکیده

مباحث اشتغال و بیکاری به انسان بر می گردد و پیچیدگیهای انسان و نیازهای مختلف او اقتضا می کند که از ابعاد مختلف به این مهم توجه شود و با بررسی فعالیتهای اقتصادی و شناخت پتانسیلهای آن از یک طرف و رفع موانع و نواقص موجود در بازار کار، امکان توسعه فرصتهای شغلی برای افراد جویای کار مهیا شود. در همین راستا این تحقیق به بررسی عوامل موثر بر مشاغل غیرزراعی در روستاهای استان خراسان پرداخته تا بدین وسیله بتوان با شناخت از وضعیت موجود، برنامه های مناسبی برای توسعه اشتغالزایی در روستاهای استان تهیه و اجرا نمود.

اطلاعات مورد استفاده از طریق پرسشنامه که شامل ۱۴۰۹ پرسشنامه مشاغل و ۲۵۰ پرسشنامه روستا است، حاصل شده است. به منظور بررسی عوامل موثر بر احتمال انتخاب مشاغل غیرزراعی روستایی از مدل لاجیت شده است.

نتایج تحقیق نشان می دهد که از نظر طبقه بندی مشاغل زراعی و غیرزراعی، ۴۷/۵ درصد مشاغل زراعی و ۵۲/۵ درصد مشاغل غیرزراعی بوده که نشان دهنده آن است که روستا تنها شامل مشاغل زراعی نبوده بلکه می تواند طیف وسیعی از مشاغل غیرزراعی را در خود جای دهد. از سوی دیگر ضرایب مدل لاجیت نشان می دهد که اثر سرمایه گذاری، درآمد و سن بر احتمال انتخاب مشاغل غیر زراعی منفی و اثر جنسیت و سواد مثبت می باشد. اثر جنسیت و سواد بر احتمال انتخاب مشاغل غیر زراعی بیش از متغیرهای دیگر است. از این رو توجه به برنامه های آموزشی (همگانی و تخصصی) به منظور توسعه مشاغل غیرزراعی در روستاهای استان خراسان ضروری است. از جمله توصیه های سیاستی در راستای توسعه فرصتهای شغلی غیرزراعی در روستا تغییر نگرش و فرهنگ نگاه به روستاها (فقط کشاورزی)، تغییر و تحول ساختار فعلی مشاغل غیرزراعی در روستا از سنتی به سمت مدرن شدن، نگاه تفکر سیستمی به بحث اشتغال و افزایش سرمایه گذاری و هدفمند نمودن حمایت های دولتی می باشد.

**کلید واژه : اشتغال روستایی / اشتغال غیرزراعی / استان خراسان**

1- این مقاله بخشی از طرح تحقیقاتی « بررسی و ارزیابی مشاغل روستایی (زراعی و غیرزراعی) در استان خراسان» مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد کشاورزی می باشد.

توسعه روستایی همانند مفهوم توسعه در طول زمان تعاریف مختلفی را داشته و حدود و ثغور آن شامل مقوله‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گوناگونی بوده است. گروهی توسعه روستایی را مترادف با عمران روستایی می‌پندارند، در چارچوب این مفهوم توسعه روستایی یک مفهوم جامع و چند بعدی است که هم در برگیرنده توسعه کشاورزی و فعالیتهای وابسته به آن است و هم زیربنای اقتصادی، خدمات اجتماعی و تسهیلات مربوطه و هم توسعه انسانی را دربرمی‌گیرد. توسعه روستایی در این معنا بازخوردی از عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نهادی و فیزیکی است (بهرامی، ۱۳۸۳: ۱۴۵).

برخی توسعه روستایی را به عنوان یک راهبرد جهت اصلاح و بهبود وضع زندگی اقتصادی و اجتماعی یک گروه ویژه روستایی یعنی فقرا و مستمندان در مناطق روستایی طراحی می‌کنند. عده دیگر، توسعه روستایی را به عنوان یک رشته علمی از برخورد و واکنش بین علوم کشاورزی، اجتماعی، مهندسی و مدیریت می‌دانند. میسرأ معتقد است که توسعه روستایی صرفاً توسعه کشاورزی نیست، همچنین موردی از رفاه اجتماعی هم نمی‌باشد که با تزریق پول به مناطق روستایی برای رفع نیازهای اولیه و اساسی انسان مرتفع شود بلکه توسعه روستایی طیف وسیعی از فعالیتهای گوناگون و بسیج مردم را شامل می‌شود که مردم را توانمند ساخته که به روی پای خود ایستاده و مشکلاتشان را حل نمایند. دیاس و ویکرامانایاک معتقدند هدف از تدوین برنامه توسعه روستایی باید توانا ساختن توده‌های جمعیت روستایی بوده که نمی‌توانند با تلاشهای خود نیازهای اساسی زندگی را برآورده سازند.

بانک جهانی توسعه روستایی را یک راهبرد می‌داند که به منظور بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه خاصی از مردم به ویژه روستائیان فقیر طراحی و اجرا می‌شود. این فرآیند شامل بسط منافع توسعه در میان فقیرترین اقشار است که در مناطق روستایی در پی کسب معاش هستند؛ این گروه شامل کشاورزان خرده‌پا، خوش‌نشینان و کشاورزان بی‌زمین است.

به طور کلی با توجه به تعاریفی که ذکر شد توسعه روستایی اصولاً به معنای تغییر شکل اساسی در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روابط انسانی در روستاهاست که به تدریج شرایط زندگی مردم روستا را بهبود بخشیده و عامه مردم روستا از مواهب آن بهره‌مند می‌شوند. البته لازم به ذکر است که پایداری برنامه‌های توسعه روستایی زمانی حاصل می‌شود که خود مردم روستا به اتکا به خود، آن را اجرا نمایند.

بر اساس تعاریف صورت گرفته، توسعه روستایی دارای هدفهای بنیادی به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- افزایش بهره‌وری و رشد بازده.
- ۲- توزیع عادلانه منافع توسعه.
- ۳- فراهم سازی نیازهای اساسی انسانی برای کل جمعیت.

۴- ایجاد اشتغال مولد .

۵- مشارکت موثر در تصمیم‌گیری خصوصاً توسط تهیدستان.

۶- اعتماد به نفس.

۷- حفظ محیط طبیعی و زیستی (بریمانی، ۱۳۸۳: ۱۴۴-۱۳۵).

به طور کلی توسعه روستایی در تلقی و پارادایم جدید ماهیتی میان بخشی دارد و علاوه بر توجه به بخش کشاورزی و تأمین امنیت غذایی موضوعات مهمی نظیر توسعه زیر ساختها، تمرکززدایی، تنوع‌سازی منابع درآمدی، تأکید بر فعالیتهای اقتصادی غیرکشاورزی، مشارکت زنان، گسترش نهادهای محلی، استفاده پایدار از منابع طبیعی، اتکای بیشتر بر مردم محلی و غیره را شامل می‌شود. در مجموع می‌توان گفت که تفاوت‌های اساسی در مقوله توسعه روستایی در دو انگاره قدیم و جدید قابل مشاهده و آشکار است. به عنوان مثال رشد اقتصادی در انگاره قدیم به رشد کیفی، بهبود محیط زیست و عدالت اجتماعی تغییر یافته است. هم‌چنین نقش دولت از تولیدکننده، تهیه‌کننده و نظارت‌کننده اصلی به ایجادکننده چارچوبهای قانونی توانمندساز، واگذارکننده قدرت و مشوق نهادها و همکاریها مبدل شده است. از سوی دیگر نه تنها از نگرش بخشی به روستاها و توسعه روستایی کاملاً پرهیز می‌شود بلکه در کنار فعالیتهای مختلف بخش کشاورزی و دامی، مقوله متنوع‌سازی منابع درآمدی و تأکید بر فعالیتهای غیرزراعی و خارج از مزرعه مورد تأکید بیشتری قرار دارد.

فعاليتها و اشتغال غیرزراعی (یا خارج از مزرعه و غیر کشاورزی)<sup>۱</sup> طیف وسیعی از فعاليتها مانند صنعت، صنایع دستی، بخش خدمات، حمل و نقل، ارتباطات و تجارت را دربرمی‌گیرد. تجربیات کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که فعالیتهای مربوط به این بخش در ایجاد درآمد و اشتغال، نقش موثری داشته است و روند آن در طول زمان نیز افزایشی بوده است .

با توجه به اهمیت اشتغال غیرزراعی در توسعه روستایی، در مقاله حاضر آن است که ضمن بررسی جایگاه مشاغل غیرزراعی در اشتغال روستاهای استان خراسان به شناسایی عوامل موثر بر احتمال انتخاب اشتغال غیرزراعی نیز پرداخته تا از این طریق بتوان در برنامه‌های توسعه فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی، با تقویت عوامل مثبت و کنترل عوامل منفی زمینه توسعه مشاغل غیرزراعی در روستاهای استان خراسان را فراهم نمود. به عبارتی این تحقیق درصدد پاسخگویی به سوالات زیر می‌باشد :

۱- سهم مشاغل غیرزراعی در روستاهای استان خراسان به چه میزان می‌باشد ؟

۲- از نظر سطح سواد، سن و جنسیت میان مشاغل زراعی و غیرزراعی تفاوتی وجود دارد ؟

۳- چه عواملی احتمال انتخاب مشاغل غیرزراعی در روستاهای استان خراسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟

1 - Off-Farm(Non-Agricultural) Employment.

## ۲- تعریف مشاغل زراعی و غیر زراعی

مشاغل بر حسب ماهیت و نوع کار به دو گروه زراعی و غیرزراعی تقسیم نمود. مشاغل زراعی شامل تمامی فعالیتهای مرتبط با زراعت، باغداری، دامپروری، شکار و صید، شیلات و آبیان، جنگلداری و مرتع می باشد. با این تعریف مشاغل غیر زراعی، شامل سایر فعالیتهای اقتصادی به جز زراعی است. از این رو طیف وسیعی از صنعت، صنایع دستی، حمل و نقل و ارتباطات، تجارت، هتلداری، خدمات عمومی و شخصی بخش غیرزراعی را شامل می شوند. طبق تعریف مرکز آمار ایران (۱۳۷۷)، فعالیتهای غیر زراعی به فعالیتهایی اطلاق می شود که به طور مستقیم از زراعت، باغداری یا دامداری سرچشمه نمی گیرند و درآمدهای حاصل از این قبیل فعالیتهای را درآمد غیر زراعی می نامند.

رائو نیز بخش غیرزراعی در مناطق روستایی را عبارت از همه فعالیتهای خارج از کشاورزی و در بخش دوم و سوم اقتصادی که در مناطق روستایی صورت می گیرد، می داند. این بخشها مجموعه ناهماهنگی از گروههای متنوع را شامل می شود که از واحدهای صنعتی پیچیده جدید تا فعالیتهای سنتی توسط یک صنعتگر روستایی را دربر می گیرد (Rao, 1994).

بسیاری از خانوارهای روستایی از طریق فعالیتهای غیرزراعی به اشتغال و کسب درآمد می پردازند. این فعالیتهای ممکن است در روستای خودشان یا روستاها و نواحی شهری مجاور دور و نزدیک موجود باشد. از این رو در بررسی موضوع اشتغال غیرزراعی بایستی به موجودیت و میزان دسترسی به این گونه فعالیتهای توجه شود. هم چنین موقعیت فعالیتهای صنعتی خاص، مراکز تجاری، امکانات بهداشتی و غیره و فاصله بین بخشهای فعالیتهای غیرزراعی روستایی و شهری می بایستی مورد توجه قرار گیرد. از دیدگاه چادها فعالیتهای غیر زراعی محدود به فعالیتهای موجود در روستا نبوده بلکه همه فعالیتهای اقتصادی که توسط خانوار روستایی انجام می گیرد و جزیی از ماتریس اشتغال - درآمد آنها به شمار می آید در زمره اشتغال غیرزراعی قرار دارد، صرف نظر از اینکه در روستا موجود باشد یا نباشد. بدین لحاظ است که قابلیت دسترسی به اشتغال غیرزراعی در روستا یا روستاها و شهرکهای نزدیک از اهمیت زیادی برخوردار است (Chadha, 1993:290).

سینگ در فیلیپین براساس نیروی انسانی شاغل در فعالیتهای غیرزراعی و رابطه آن با بخش کشاورزی، این فعالیتهای را به دو دسته طبقه بندی می کند. نخست آن دسته از فعالیتهایی که از جهت به کارگیری نیروی کار با بخش کشاورزی در حال رقابت هستند و دوم آن فعالیتهایی که مکمل کشاورزی به شمار می آیند و در مواقع رکود کشاورزی به آنها پرداخته می شود و براساس نیاز بازار با کشاورزی مرتبط هستند (Singh, 1993:397).

تحقیقات صورت گرفته در کشورهای گوناگون (آمریکا، کره، هندوستان، اوگاندا، مصر و غیره) نشان داده‌اند که بخشهای غیر زراعی دارای ویژگیهایی به شرح زیر می‌باشند (Pfluger, 2000:35- Rao, 1994:3):

- این فعالیتهای در روستا ارتباط نزدیکی با بخش کشاورزی دارند.
- رشد بخش کشاورزی بستگی به فعالیتهای غیرزراعی و انجام این قبیل فعالیتهای دارد.
- رابطه مثبتی میان اشتغال در بخش غیر زراعی با سطح تحصیلات، توان تغییر ساختار، کیفیت و خدمات سازمانهای دولتی و دسترسی به خدمات اعتباری و مالی وجود دارد.
- بخش غیرزراعی به طور کلی غیرمتمرکز بوده و واحدهای تحت پوشش آن عمدتاً خرد و به طور گسترده‌ای پراکنده هستند.

- تنوع گسترده‌ای از محصولات سنتی و غیرسنتی بالغ بر پنج هزار محصول را شامل می‌شود.
- امکانات زیربنایی مناسب در مناطق روستایی برای توسعه این بخش ضروری است.
- این بخش فاقد استانداردها و استانداردهای مورد نیاز است.
- در تکنولوژی مورد استفاده و مقیاس تولید واحدهای مختلف ناهمگنی زیادی به چشم می‌خورد.
- انواع مختلفی از بازارهای محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی را دربرمی‌گیرد.
- از مشکلات و کمبودهای سرمایه‌ای، بازاریابی، سازماندهی و مدیریتی رنج می‌برد.
- تمایل به کوچک ماندن است.
- تلاش کافی برای تهیه ابزار و تکنولوژیهای جدید تولید و غیره در آن صورت نمی‌گیرد.
- اطلاعات پایه‌ای برای بررسی و تحلیل در آن وجود ندارد.

### ۳- عوامل موثر بر انگیزه انتخاب مشاغل غیرزراعی در روستا

عوامل مختلفی که باعث گرایش روستائیان به سمت مشاغل غیرزراعی می‌شوند، را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود:

- الف) عوامل بازدارنده:** شامل عواملی هستند که اشتغال افراد در بخش زراعی را محدود کرده و در نتیجه انگیزه فرد برای اشتغال در بخش غیرزراعی را تقویت می‌نمایند (ذوقدار مقدم، ۱۳۶۹: ۱۳۰- Pfluger, 2000:35).
- ب) عوامل تقویت کننده:** شامل عواملی هستند که باعث گرایش افراد به سمت فعالیتهای غیر زراعی می‌شوند (Pfluger, 2000:39).

به طور کلی مهمترین عوامل را می‌توان به شرح نمودار (۱) برشمرد:

## نمودار (۱) - عوامل موثر بر انگیزه انتخاب مشاغل غیرزراعی در روستا

### عوامل تقویت کننده

- ۱- بازدهی بالای نیروی کار در بخش غیرزراعی نسبت به بخش زراعی
- ۲- بازدهی بالای سرمایه در بخش غیرزراعی نسبت به بخش زراعی
- ۳- ریسک پذیری کمتر در بخش غیرزراعی نسبت به بخش زراعی
- ۴- دسترسی به مزایای اقتصادی و اجتماعی بیشتر
- ۵- دسترسی به پول و فرصت بیشتر برای زندگی بهتر

### عوامل بازدارنده

- ۱- رشد جمعیت در مناطق روستایی
- ۲- محدودیت زمینهای قابل دسترس برای کشاورزی
- ۳- کاهش حاصلخیزی و بهره وری اراضی زراعی
- ۴- کاهش منابع طبیعی از جمله آب
- ۵- کاهش عملکرد محصولات زراعی
- ۶- افزایش هزینه های زندگی
- ۷- حوادث و بلایای طبیعی
- ۸- عدم دسترسی مناسب به بازار نهاده های کشاورزی
- ۹- ناکارآمد بودن بازارهای مالی و اعتباری در روستا
- ۱۰- عدم وجود و یا ناقص بودن بیمه محصولات کشاورزی
- ۱۱- ریسک بالای تولید در بخش کشاورزی و عدم قطعیت درآمد زراعی

## ۴- عوامل موثر بر اشتغال فعالیت های غیرزراعی

به طور کلی مهمترین عوامل موثر بر اشتغال غیرزراعی و درآمد حاصل از آن را می توان به شرح زیر برشمرد:

**الف) تحصیلات:** تعداد زیادی از مطالعات نشان می دهند که سطح تحصیلات نقش مهمی در تعیین نوع فعالیت غیرزراعی و میزان درآمد حاصله از آن دارد. اثر تحصیلات بر اشتغال غیرزراعی و درآمد حاصله از آن حتی بیشتر از اثر تحصیلات بر اشتغال زراعی نیز بوده است. چنانچه بخش غیرزراعی را به اشتغال دستمزدبگیری دائمی و موقتی و حقوق بگیران تفکیک کنیم، احتمال اشتغال در بخش غیرزراعی در تفکیک های مختلف همراه با افزایش در سطح تحصیلات افزایش می یابد. نتایج فوق براساس تخمین مدل های اقتصادسنجی صورت گرفته که در آنها سایر خصوصیات فرد و خانوار ثابت در نظر گرفته شده و اثر تحصیلات بر سطح اشتغال و درآمد غیرزراعی شبیه سازی شده است (Jolliffe, 1999). البته اثر تحصیلات با توجه به سایر مشخصات اجتماعی خانوار متفاوت خواهد بود. به طور مثال لانجو و شریف در مطالعه خود در مورد روستاهای هند نشان دادند که احتمال اشتغال در بخش غیرزراعی حقوق بگیری با توجه به یک سطح مشخص تحصیلات، در مورد زنان و افرادی که

از خانواده‌های با میزان زمین مشخصی کمتر هستند، پایین‌تر خواهد بود. نتایج مشابهی در سایر مطالعات نیز استخراج شده است (Lonjouw & Shariff, 1997).

**ب) زیرساخت‌ها:** توسعه خدمات زیرساختی در نواحی روستایی یکی دیگر از سیاست‌های تشویقی در بخش غیرزراعی روستایی می‌باشد. مطالعات متعددی نشان می‌دهند که ناکافی بودن زیرساخت‌های جاده‌ای باعث محدودیت دسترسی کارآفرینان روستایی به امکانات ارتباطی شده و این خود سطح اشتغال غیرزراعی در این مناطق را محدود کرده است. علاوه بر آن، مطالعاتی وجود دارد که نشان می‌دهد بانکها، مراکز خدماتی و بازاریابی و سایر خدمات و فعالیت‌های حمایتی باعث ایجاد زیرساخت‌های مناسب شده و توسعه فعالیت‌های غیرزراعی را ایجاد نموده است (Binswanger & Rosonzaveiy, 1986) البته به دلیل عدم تجانس بخش غیرزراعی نمی‌توان به صراحت بیان نمود که چه نوع از خدمات زیرساختی اهمیت بیشتری دارند (در حقیقت توجه بیشتر باید بر مجموعه‌ای از خدمات زیرساختی باشد). علاوه بر آن باید بدین نکته توجه داشت که به طور مثال زیرساخت‌های جاده‌ای بهتر، به تنهایی باعث کاهش هزینه‌های بازاریابی و سایر هزینه‌ها برای کارآفرینان روستایی نخواهد شد و وجود زیرساخت‌ها تنها باعث می‌شود که تولیدکنندگان راحت‌تر کالاهای تولیدی خود را به شهرها و مراکز مصرف برسانند. بنابراین زیرساخت‌های گوناگون مکمل یکدیگر در ارائه بهتر و شکل‌گیری مستمر فعالیت‌های غیرزراعی می‌باشد.

**ج) سرمایه‌گذاری:** از جمله عوامل مؤثر بر توسعه بخش غیرزراعی روستایی، سرمایه‌گذاری و به تبع آن انباشت سرمایه می‌باشد. تحقیقات انجام شده در زمینه اشتغال غیرزراعی مؤید اثر منفی کمبود سرمایه بر این بخش بوده است. صاحب‌نظران یکی از موانع اساسی در راستای توسعه بخش غیرزراعی را کمبود سرمایه می‌دانند. در این زمینه تحقیقاتی نیز در کشورهای آسیایی غربی و بخصوص چین انجام گرفته است (Singh 1993):

**د) سنت‌ها:** یکی دیگر از عوامل مؤثر بر رشد اشتغال در بخش غیرزراعی فرهنگ‌ها و سنن می‌باشند. از جمله مظاهر این سنت‌ها را می‌توان به پرهیز از ریسک که فعالیت‌های غیرزراعی مبتنی بر آن می‌باشد اشاره نمود. معمولاً چنین نگرشی برای توسعه بخش غیرزراعی مطلوب نیست. از جمله سنت‌های دیگر، انگیزه پیشرفت می‌باشد که نشان‌دهنده میل افراد در دستیابی به برتری و کمال است. این انگیزه در میان افراد مختلف متفاوت می‌باشد. مطالعه‌ای در هند نشان داد که افرادی که تمایل بیشتری به بهبود وضع خود دارند، مشارکت بیشتری در بخش غیرزراعی دارند.

**ه) تراکم و رشد جمعیت:** تراکم و رشد جمعیت یکی از عوامل اساسی اثرگذار بر سرمایه‌گذاری و رشد بخش غیرزراعی می‌باشد. اوکافور در مطالعه خود در مورد ۳۶ روستای کشور نیجریه نشان داد که رابطه مثبتی میان میزان گسترش فعالیت‌های غیرزراعی و رشد جمعیت وجود دارد. مطالعه وی نشان می‌دهد که حدود ۴۰ درصد

از کل نیروی کار وارد بازار کار شده متناسب با فرصت‌های در دسترس و مهارت‌های فردی، جذب فعالیت‌های غیرزراعی شده‌اند.

**(و) توسعه یافتگی روستا:** از جمله عوامل دیگر تأثیرگذار بر اشتغال غیرزراعی سطح توسعه یافتگی روستاها می‌باشد. تحقیقات خارا در مورد بنگلادش نشان می‌دهد که روستاهای توسعه یافته بیشتر از روستاهای کمتر توسعه یافته توان فعالیت‌های غیرزراعی را دارند.

**(ز) رشد اقتصادی بیشتر مناطق:** یکی از عوامل اثرگذار دیگر بر اشتغال غیرزراعی، سطح رشد اقتصادی مناطق است. هر چه مناطق از رشد اقتصادی بالاتری برخوردار باشند، توان درآمدی جامعه افزایش یافته و این باعث افزایش تقاضا برای شماری از کالاهای غیرزراعی در مناطق روستایی خواهد شد. اوشیما وضعیت اقتصادی کشورهای آسیایی جنوب غربی پس از جنگ را مورد ارزیابی قرار داده و به این نتیجه دست یافت که همراه با صنعتی شدن، اشتغال غیرزراعی نیز از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است.

در ارتباط با عوامل موثر بر اشتغال غیر زراعی در جهان مطالعات زیادی صورت گرفته است. به عنوان مثال ریاردون به بررسی تأثیر شاخص سواد و تحصیلات بر روی انتخاب فعالیت‌های غیرزراعی و میزان درآمد آن در مکزیک پرداخته است. داده‌های مورد استفاده در این تحقیق شامل آمار مربوط به ۳۹۱ خانوار با ۲۹۶۰ عضو بین سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ می‌باشد. متغیرها شامل خصوصیات خانوار، دارایی، درآمد خالص، تخصیص زمانی نیروی کار به فعالیت‌های مختلف اقتصادی، مخارج خانوار، موقعیت مکانی فعالیت، بگونه‌ای که فعالیت منطقه‌ای، محلی، ملی و یا بین‌المللی می‌باشد. تمامی خانوارهای موجود در این مطالعه ارتباط تنگاتنگی با فعالیت‌های غیرزراعی داشته و حدود ۶۰ درصد از کل درآمدشان را از طریق فعالیت‌های غیرزراعی کسب می‌کنند. بسیاری از فعالیت‌های غیرزراعی بصورت اشتغال دستمزد بگیری در بازار نیروی کار منطقه‌ای و محلی، در روستاها، شهرهای روستایی و شهرهای متوسط صورت می‌گیرد. نتایج حاصل از تخمین مدل پروبیت مربوط به مشارکت در فعالیت‌های غیرزراعی نشان می‌دهد که ارتباط مثبتی میان سطح تحصیلات ابتدایی کامل (از یک تا سه سال)، تحصیلات کامل ابتدایی (۴ تا ۶ سال) و تحصیلات ثانویه کامل (۷ تا ۹ سال تحصیلات) با احتمال مشارکت در فعالیت‌های غیرزراعی وجود دارد (Reardon, 2000: 280). آقایان هازل و هاگبل به بررسی ارتباط بخش غیر زراعی با بخش زراعی با استفاده از داده‌های ایالتی هند پرداخته‌اند. نتایج مطالعه فوق نشان می‌دهد که افزایش صددرصدی رویه‌ای در درآمد کشاورزی باعث افزایش ۶۴ درصد رویه در درآمد غیرکشاورزی خواهد شد. همچنین افزایش صددرصدی در تولیدات کشاورزی با ۹۰ درصد رشد در اشتغال غیرزراعی همراه می‌باشد. (Haggblade & Hazell, 1990). آقایان لانجو و شریف به بررسی اشتغال غیرزراعی در هندوستان پرداخته‌اند. این مقاله بر اساس آمار ۳۲۰۰۰ خانوار روستایی در ۱۷۶۵ روستای هندوستان بوده که برای سالهای ۹۳-۱۹۹۴ بوسیله انجمن تحقیقات کاربردی اقتصادی جمع آوری شده است. از مدل لاجیت چند جمله‌ای برای

تحلیل اطلاعات استفاده شده است. متغیرهای مدل شامل اشتغال در بخش غیرزراعی، جنسیت، سن، سطح سواد، طبقه اجتماعی، بعد خانوار، درآمد و مالکیت زمین می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که تحصیلات، ثروت، طبقه اجتماعی، شرایط کشاورزی روستا، نرخ رشد جمعیت و شرایط ناحیه ای بر اشتغال غیرزراعی تاثیر دارد. به طوری که احتمال اشتغال در بخش غیرزراعی رابطه قوی با تحصیلات و دسترسی به مشاغل غیرزراعی دارد. با افزایش سطح تحصیلات احتمال اشتغال در بخش غیرزراعی افزایش یافته و از این رو سیاست کاربردی آن است که به منظور افزایش اشتغال در بخش غیرزراعی افزایش در سطح تحصیلات عمومی روستائیان به وجود آید (Lanjouw & Shariff, 2002). آقای پراسارا رائو میشارالا به بررسی تعیین کننده های اشتغال غیرزراعی در دو روستای هندوستان پرداخته است. در این مقاله بر دو روستا که یکی توسعه یافته بر اساس کشاورزی و دیگری کمتر توسعه یافته تمرکز دارد. اطلاعات برای سالهای ۹۴-۱۹۹۳ در مورد ۴۶۵ خانوار در روستای وراوالی و ۳۵۴ خانوار روستای آناداپورام می‌باشد. در این مطالعه از مدل لاجیت و متغیرهای اشتغال غیرزراعی، درآمد، اندازه زمین زراعی، تحصیلات، درآمد کشاورزی، اندازه خانوار و سن استفاده شده است. نتایج مدل نشان می‌دهد که روابط قوی میان مشاغل غیرزراعی در روستای توسعه یافته در مقایسه با روستای کمتر توسعه یافته وجود دارد. این نتیجه پیشنهاد می‌کند که برای توسعه مشاغل غیرزراعی بایستی مشاغل زراعی توسعه یافته باشند. همچنین اطلاعات نشان می‌دهد که کشاورزان بزرگ کمتر به مشاغل غیرزراعی رو می‌آورند. تحصیلات از دیگر عوامل مهم بر انتخاب مشاغل غیرزراعی است و تاثیر مثبت و معناداری دارد (Prasada Rao & Mecharla, 2002).

## ۵- روش و مواد مطالعه

به منظور بررسی عوامل موثر بر مشاغل غیرزراعی در استان خراسان<sup>۱</sup>، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ۲۵۰ روستا برای تکمیل پرسشنامه انتخاب شدند که در روستاهای منتخب تعداد ۱۴۰۹ پرسشنامه از شاغلین تکمیل شده است. مدل مورد استفاده برای تحلیل اطلاعات، لاجیت می‌باشد. متغیر وابسته، متغیر کیفی است چون عدد صفر (برای شغل زراعی) و یک (شغل غیرزراعی) را به خود اختصاص می‌دهد. مدل با نرم افزار Eviews برآورد شده است. با استفاده از برازش مدل می‌توان تاثیر احتمالی تغییر در متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته به دست آورد.

1- شامل استانهای خراسان شمالی، رضوی و جنوبی است که شهرستانهای نیشابور، درگز، اسفراین، فریمان، فردوس، بیرجند، طبس، بجنورد، تایباد، مشهد، تربت جام و گناباد را در برمی‌گیرد. اطلاعات در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ جمع‌آوری شده است.

## ۶- نتایج

### ۶-۱- خصوصیات نمونه آماری

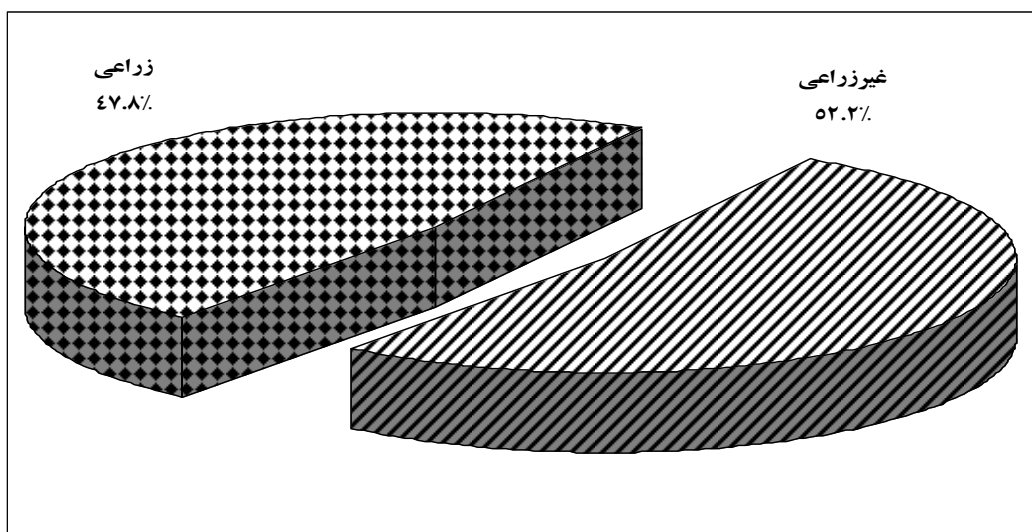
مشاغل روستایی نمونه آماری بر حسب سه بخش اقتصادی و زراعی و غیرزراعی طبقه بندی شده و اطلاعات آن در جدول (۱) و نمودار (۲) آمده است. چنانچه مشاهده می شود ۴۷/۵ درصد مشاغل کشاورزی، ۳۲/۴ درصد مشاغل خدماتی و ۲۰/۱ درصد مشاغل صنعتی است. ارقام نشان می دهد که بخش کشاورزی نسبت به دو بخش دیگر از سهم بیشتری برخوردار است. اما از نظر طبقه بندی مشاغل زراعی و غیرزراعی، ۴۷/۵ درصد مشاغل زراعی و ۵۲/۵ درصد مشاغل غیرزراعی بوده که نشان دهنده آن است که روستا تنها شامل مشاغل زراعی نبوده بلکه می تواند طیف وسیعی از مشاغل غیرزراعی را در خود جای دهد. آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ نیز موید اهمیت بخش غیرزراعی در ایجاد شغل در روستاست به طوری که در این سال در حدود ۵۵/۶ درصد شاغلین روستایی در بخش زراعی و ۴۴/۴ درصد در بخش غیرزراعی مشغول به فعالیت بوده اند.

جدول (۱)- طبقه بندی مشاغل مورد مطالعه بر حسب بخشهای اقتصادی

بخش	فراوانی	درصد
کشاورزی	667	47.5
صنعت	282	20.1
خدمات	454	32.4
جمع	1403	100
زراعی	667	۴۷.۵
غیرزراعی	۷۳۶	۵۲.۵

مأخذ: یافته های تحقیق.

نمودار (۲)- طبقه بندی مشاغل مورد مطالعه بر حسب زراعی و غیرزراعی



همچنین میانگین سن در فعالیتهای غیرزراعی ۴۱ سال و در فعالیتهای زراعی ۵۲ سال بوده که حاکی از بیشتر بودن سن شاغلین زراعی در مقایسه با شاغلین غیرزراعی است. به عبارت دیگر شاغلین بخش زراعی در سنین بالا بوده و پیری جمعیت شاغل زراعی یکی از واقعیتهای بخش زراعی کشور می باشد. در مقابل جوانان بیشتر گرایش به مشاغل غیرزراعی داشته که از دلایل آن احتمالاً می توان به ریسک پذیری آنان و کمبود زمین زراعی در روستا اشاره نمود. در مقابل، میانگین سابقه شغل اصلی در فعالیتهای زراعی ۲۷ سال و فعالیتهای غیرزراعی ۱۳ سال می باشد. شاید یکی از دلایل پایین بودن سابقه کاری در فعالیتهای غیرزراعی، جوانتر بودن شاغلین بخش غیرزراعی است.

در میان نمونه آماری در حدود ۱۱/۳ درصد شاغلین فعالیتهای غیرزراعی و ۳۲/۲ درصد شاغلین زراعی بیسواد بوده به طوری که تعداد باسوادان در میان شاغلان غیرزراعی بیشتر از زراعی است. در میان فعالیتهای غیرزراعی و زراعی بیشترین باسوادان در سطوح ابتدایی قرار دارند. توزیع شاغلین بر حسب سطح سواد نشان می دهد که در مشاغل غیرزراعی سطح سواد شاغلان بیشتر از مشاغل زراعی است. براساس جنسیت در نمونه مورد بررسی در فعالیتهای غیرزراعی ۵ درصد شاغلان زن و ۹۵ درصد مرد بوده و در مقابل در فعالیتهای زراعی یک درصد شاغلان زن و ۹۹ درصد مرد می باشد. اطلاعات نشان می دهد که فرصت شغلی در فعالیتهای غیرزراعی برای زنان بیشتر از زراعی می باشد اما به طور کلی فرصت شغلی برای مردان در روستاها بیشتر از زنان می باشد و این موضوع با توجه به این نکته که نسبت جنسی نشان می دهد تعداد زنان در روستاها (به دلیل مهاجرت مردان) بیشتر از مردان است، نشان از حساس بودن موضوع دارد؛ زیرا با توجه به تعداد زنان بیشتر، فرصت شغلی بسیار کمی وجود دارد. از میان راهکارهای مختلف توصیه فرصت شغلی برای زنان، افزایش فرصتهای اشتغال زایی در بخش غیرزراعی می تواند قابل طرح باشد.

## ۲-۶- برازش مدل رگرسیونی و تحلیل آن

به طور کلی تجربه کشورهای پیشرفته جهان نشان می دهد که هر اندازه رشد اقتصادی کشوری افزایش می یابد، در فرآیند توسعه اقتصادی به دلیل مکانیزاسیون تولید بخش کشاورزی، استفاده از روشهای تولید جدید و غیره نیاز به نیروی کار کمتر شده و در نتیجه تولید بیشتر با اشتغال کمتر صورت می گیرد و به همین دلیل است که در روند توسعه اقتصادی نیروی کار مازاد از بخش کشاورزی به دو بخش دیگر اقتصادی یعنی صنعت و خدمات منتقل می شود. در این فرآیند هنگامی بیکاری به وجود نمی آید که از قبل برنامه ریزیهای اصولی در جهت افزایش فرصتهای شغلی در بخش صنعت و خدمات برای مازاد نیروی کار بخش کشاورزی و افزایش عرضه کار به دلیل رشد جمعیت فراهم شود.

در همین راستا، شناسایی عوامل موثر بر اشتغال غیرزراعی جهت تعیین سیاستهای مناسب توسعه فرصتهای شغلی برای این بخش ضرورت و اهمیت دارد. از این رو به منظور بررسی عوامل موثر بر مشاغل غیرزراعی از مدل رگرسیونی لاجیت استفاده شده است. تصریح مدل به شرح زیر می باشد:

$$job_i = \alpha + c_1 Age_i + c_2 Edu_i + c_3 Inc_i + c_4 invest_i + c_5 gender_i + c_6 Age_{1i}$$

که در آن:

$Job$  = مشاغل غیرزراعی ۱ و زراعی صفر.  $Age$  = سن شاغل (سال)

$Age_1$  = مجذور سن شاغل (سال)  $Edu$  = سطح سواد (صفر بیسواد و ۱ باسواد).

$Inc$  = درآمد (به ریال).  $Invest$  = میزان سرمایه گذاری (به ریال)

$Gender$  = جنسیت (۱ برای زنان و صفر برای مردان) و  $\alpha$  و  $C$ ها ضرایب مدل می باشند.

مدل مورد نظر برازش شده<sup>۱</sup> و نتایج به شرح جدول شماره (۲) می باشد.

آماره  $Z$  مدل برازش شده نشان می دهد که همه ضرایب مدل در سطح ۹۵٪ اطمینان اختلاف معناداری از صفر دارند (به جز درآمد). آماره  $LR$ ، فرضیه اینکه همه ضرایب مدل به جز عدد ثابت صفر می باشد را رد می نماید. نتایج نشان می دهد که  $R^2$  مک فادن برابر با ۱۶ درصد است یعنی اینکه شانزده درصد تغییرات در متغیر وابسته به وسیله متغیرهای توضیحی مدل توضیح داده می شود. سودمندی برازش مدل ۶۹ درصد است که خوب بودن برازش مدل را نشان می دهد. ضریب اثر نهایی مدل برابر با ۰/۲۰۲ است که با ضرب کردن این شاخص در ضریبهای متغیرهای توضیحی برازش شده، مقدار اثر نهایی هر متغیر توضیحی به دست آمده است.

جدول شماره (۲) - نتایج برازش مدل لاجیت و عوامل موثر بر اشتغال غیرزراعی

متغیر	ضریب	آماره $Z$	میانگین اثر نهایی
عدد ثابت	۳/۸۴۵	۵/۶۶	-
$Age$	-۰/۱۲۴	-۴/۳۷	-0.02521
$Age_1$	۰/۰۰۰۸	۲/۶۴	0.00016
$Edu$	۰/۶۰۷	۴/۴۲	0.12003
$Inc$	-۲/۲۲E۰۸	-۱/۱۰	-۴/۵E۰۹
$Invest$	-۸/۵۶E۰۹	-۶/۸۳	-۱/۷E۰۹
$Gender$	۰/۸۲۳	۲/۰۳	0.16039
$Mean\ dependent\ var = 0.524$			
$McFaddenR - squared = 0.163$			
$LR\ statistic(6df) = 317.12$			
$Pr obability(LRstat) = 0.0000$			
$Factor\ for\ the\ calculation\ of\ marginal\ effects = 0.202087$			
$Goodness\ of\ fit = 0.69$			

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

1 - مدل لاجیت به روش حداکثر راستنمایی (MLE) و به کمک نرم افزار Eviews برآورد شده است.

تفسیر ضرایب مدل عبارتست از<sup>۱</sup>:

۱- سرمایه گذاری رابطه منفی با احتمال انتخاب شغل در بخش غیرزراعی دارد. این بدان معناست که هر چه میزان سرمایه افزایش یابد از احتمال انتخاب مشاغل غیرزراعی کاسته می شود. آمار و ارقام نیز نشان می دهد که میانگین سرمایه در مشاغل غیرزراعی کمتر از مشاغل زراعی است و این یکی از خصوصیات مشاغل غیرزراعی است. این بدان علت است که هنوز مشاغل غیرزراعی از نظر ساختاری در روستاها متحول نشده و در حد رفع نیازهای اولیه روستائیان باقی مانده اند. به عبارت دیگر مشاغل مربوط به بخش غیرزراعی در روستاهای کشور هنوز به صورت سنتی بوده و به شکل مدرن آن ایجاد نشده است. یکی از دلایل سنتی بودن آن را می توان در اشتغال نیروی کار در مشاغل موجود جستجو کرد به طوری که میانگین اشتغال در این نوع مشاغل پایین بوده که نمایانگر آن است که این موسسات غیرزراعی توسط یا یک دو نفر اداره می شوند. (متوسط نیروی کار در بخش غیرزراعی مورد مطالعه یک نفر می باشد)

۲- ضرایب متغیر سن و مجذور آن علامتی سازگار با فرضیه چرخه عمر دارند. این بدان معناست که هر چه سن افراد بیشتر باشد، احتمال انتخاب مشاغل غیرزراعی کمتر می شده و شاغلین بخش غیرزراعی جوانترها هستند. به عبارت دیگر مشاغل بخش غیرزراعی نیاز به اطلاعات و مهارتهای خاصی داشته و تلاشهای گسترده ای را می طلبد که فرصتهای موجود شناسایی و به کار گرفته شود. از این رو افراد جوانتر به دلیل داشتن ویژگیهای کسب اطلاعات و مهارتها، بیشتر تمایل به انتخاب مشاغل غیرزراعی دارند.

این پدیده این احتمال را می دهد که در آینده شاغلان بخش زراعی با نیروی کار مسن و بخش غیرزراعی با نیروی کار جوان مواجه شوند. نتایج تحقیقات سایر کشورهای جهان نیز این موضوع را تاکید می نماید (Findeis & Lass, 1998- Lanjouw & Shariff, 2002:30- Prasada Rao Mecharla, 2002:16).

۳- رابطه میان سواد و احتمال انتخاب مشاغل غیرزراعی مثبت است، یعنی هر چه فرد باسواد باشد احتمال اشتغال در بخش غیرزراعی نیز افزایش می یابد. این بدان معناست که می توان با سیاستهای مناسب با توسعه فرصتهای شغلی غیرزراعی در مناطق روستایی، نیروهای تحصیلکرده را جذب این مناطق نمود. از سوی دیگر ضریب مورد نظر نشان می دهد که بخش زراعی توان جذب افراد با سواد را نداشته و از این رو نیازمند تحول مدیریتی، برای جذب نیروهای تحصیلکرده می باشد، در غیر این صورت در آینده احتمال آن می رود که

1- در نرم افزار Eviews، میانگین اثر نهایی متغیرهای توضیحی مدل به صورت زیر محاسبه می شود:

$$C_i = @d \logistic(jobf) * C_i \quad \text{متغیرهای پیوسته}$$

$$C_i = @c \logistic(jobf + C_i) - @c \logistic(jobf) \quad \text{متغیرهای گسسته}$$

که در آن  $jobf$  پیش بینی متغیر وابسته مدل بر اساس مدل برازش شده می باشد.  $d$  نشان دهنده تابع چگالی و  $C$  تابع تجمعی می باشد.

شاغلان بخش زراعی علاوه بر کهولت سن با بیسوادی یا سطوح پایین تحصیلی مواجه باشد. همان طور که می دانیم توسعه بخش کشاورزی و توسعه روستایی نیازمند تحول و به کارگیری دانش و فنون جدید، تکنولوژی و کارآفرینی است که پیش نیاز آن داشتن سواد و دانش برای فراگیری و کاربردی نمودن آن در مناطق روستایی است. از این رو کاهش سطح سواد شاغلان بخش زراعی سیاست توسعه کشاورزی و روستایی را به تعویق انداخته و یا حتی گاهی ممکن است مانع دستیابی به آن شود. از این رو توجه به سواد و سیاستهای تحصیلات عمومی و مهارتی در مناطق روستایی ضروری به نظر می رسد.

۴- رابطه میان جنسیت و احتمال انتخاب مشاغل غیر زراعی مثبت است. این بدان معناست که احتمال انتخاب مشاغل غیرزراعی از سوی زنان بیشتر است. از آنجایی که در روستاهای کشور فرصتهای شغلی اندکی برای زنان وجود داشته، می توان با ایجاد فرصتهای مناسب شغلی در بخش غیرزراعی، ضمن ایجاد شغل برای آنان، با ایجاد درآمد، زمینه بهبود رفاه خانوار روستایی را فراهم نمود.

۵- رابطه میان درآمد و احتمال انتخاب مشاغل غیر زراعی منفی است. این بدان معناست که احتمال انتخاب مشاغل غیرزراعی با افزایش درآمد کاهش می یابد. به عبارتی با افزایش درآمد، روستائیان احتمالاً به سمت انتخاب مشاغل زراعی خواهند رفت. به عبارتی با افزایش درآمد در بخش غیرزراعی، امکان سرمایه گذاری در بخش زراعی، فراهم شده - از آنجایی که عموماً روستائیان تمایل به فعالیت در بخش کشاورزی دارند - و احتمال انتخاب مشاغل زراعی افزایش می یابد.

میانگین اثر نهایی ضرایب محاسبه شده نشان می دهد که :

• میانگین اثر نهایی سرمایه گذاری برابر با  $1/VE09$  - است. این بدان معناست که یک ریال تغییر در سرمایه گذاری احتمال انتخاب مشاغل غیرزراعی را  $0/0000002$  درصد کاهش می دهد.

• میانگین اثر نهایی جنسیت برابر با  $0/16$  است. این بدان معناست که تغییر در جنسیت (زن) احتمال انتخاب مشاغل غیرزراعی را ۱۶ درصد افزایش می دهد.

• میانگین اثر نهایی سطح سواد برابر با  $0/12$  است. این بدان معناست که تغییر در سطح سواد (باسوادی) احتمال انتخاب مشاغل غیرزراعی را ۱۲ درصد افزایش می دهد.

• میانگین اثر نهایی سن برابر با  $0/025$  - است. این بدان معناست که یک سال تغییر در سن احتمال انتخاب مشاغل غیرزراعی را ۳ درصد کاهش می دهد.

• میانگین اثر نهایی مجذور سن برابر با  $0/0002$  است. این بدان معناست که یک سال تغییر در سن احتمال انتخاب مشاغل غیرزراعی را  $0/02$  درصد افزایش می دهد.

• میانگین اثر نهایی درآمد برابر با  $4/5E09$  - است. این بدان معناست که یک ریال تغییر در درآمد احتمال انتخاب مشاغل غیرزراعی را  $0/0000004$  درصد کاهش می دهد.

چنانچه مشاهده می شود اثر جنسیت و سواد بر احتمال انتخاب مشاغل غیر زراعی بیش از متغیرهای دیگر است .

## ۷- توصیه های سیاستی

به منظور توسعه اشتغال غیرزراعی در مناطق روستایی استان خراسان بر اساس نتایج به دست آمده می توان توصیه های زیر را برشمرد :

۱- از آنجایی که سهم مشاغل غیرزراعی در اشتغال مناطق روستایی بالاست لازمست ، تغییر نگرش و فرهنگ در برنامه های توسعه ای استانی ، منطقه ای و کلان در ارتباط با اینکه مشاغل غیرزراعی می تواند نقش مهمی در اشتغالزایی روستا به عهده داشته ، بوجود آید.

۲- توسعه مشاغل غیرزراعی مدرن در روستاهای استان می تواند یکی از سیاستهای مهم توسعه فرصتهای شغلی غیرزراعی باشد . به عبارت دیگر تحول در ساختار اشتغال غیرزراعی روستایی باید به گونه ای باشد که دامنه فروش کالا و خدمات از محدوده روستا به منطقه ، کشور و بازارهای جهانی گسترده شده تا از این طریق سودآوری و پایداری این مشاغل را افزایش داد . بنابراین در برنامه های توسعه اشتغال در مناطق روستایی استان ضمن توجه ویژه به مشاغل غیرزراعی لازم و ضروری است تا برنامه های تغییر ساختار مشاغل موجود غیرزراعی نیز طراحی و اجرا شود . در این راستا لازم و ضروری است که نهادها و سازمانهای متولی (وزارت جهاد کشاورزی ، سازمان دهیاریهای وزارت کشور ، سازمان فنی و حرفه ای و ...) با طراحی مجموعه ای از آموزشهای مهارتی و تخصصی زمینه تغییر در ساختار اینگونه مشاغل در روستا را فراهم سازند . به عبارت دیگر آموزشهای ترویجی بایستی به سوی کاربردی شدن جهت گیری داده شود . علاوه بر این سیاستهای تشویقی هدفمند نظیر حمایتهای بازاریابی و تبلیغاتی ، حمایتهای مالی ، حمایتهای فناوری و تکنولوژی توصیه می گردد.

۳- از آنجایی که توسعه فرصتهای شغلی در فعالیتهای مختلف غیرزراعی ، نیاز به سرمایه داشته لازم و ضروری است که نهادها و سازمانهای متولی (وزارت جهاد کشاورزی ، سازمان دهیاریهای وزارت کشور ، وزارت کار و اموراجتماعی و ...) ضمن شناسایی و برآورد علمی میزان سرمایه مورد نیاز هر فعالیت ، از منابع مالی قانون برنامه چهارم توسعه و قانون بودجه سالیانه ، اعتبار مورد نیاز برای متقاضیان ایجاد شغل غیرزراعی در روستا را برآورده ساخته و سازوکارهای اجرایی آن را ارائه نمایند .

۴- از آنجایی که مشاغل غیرزراعی در میان جوانان بیشتر از افراد مسن استقبال می گردد ، توسعه فرصتهای شغلی غیرزراعی برای اشتغال جوانان روستایی توصیه می گردد.

این مطلب قابل ذکر است که توسعه اشتغال در روستا نیازمند تفکر سیستمی است، در این سیستم علاوه بر توجه به بخش زراعی و غیرزراعی توامان، حضور فعال و مستمر همه نهادها و سازمانهای دولتی و غیردولتی را طلب می نماید. طراحی سیستم هوشمند و کارآمد که در آن وظایف و کارکرد هر نهاد و سازمان، زمان و اعتبار و نیروی انسانی مورد نیاز در آن تعریف شده باشد یکی دیگر از توصیه های این مقاله می باشد.

## ۸- منابع و ماخذ

- بریمانی، فرامرز، ۱۳۸۳، فرآیند تکوین و تکامل توسعه روستایی و جایگاه آن در برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران، مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی، چالش ها و چشم اندازها، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، صفحه ۱۴۴-۱۲۵.
- بهرامی، عبدالعلی، ۱۳۸۳، فرآیند برنامه ریزی توسعه روستایی، مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی، چالش ها و چشم اندازها، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، صفحه ۱۶۰-۱۴۵.
- ذوقدار مقدم، ر، ۱۳۶۹، "گسترش فعالیتهای غیرکشاورزی در مناطق روستایی"، جهاد، ص ۱۳۱-۱۳۰.
- شهبازی، سیامک، ۱۳۷۹، زمینه یابی ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی مناطق روستایی، گروه تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، ص ۳۰-۶۰.
- مرکز آمار ایران، سرشماریهای نفوی و مسکن استان خراسان، سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵.
- 6- Binswanger,H.,Khamdker,S. and Rosonzaveiy,(1986) , " How infrasturcture and financial institution affect agricultural output and invwstment in India", World Bank Working paper 163 .
- 7- Chadha,G.K,(1993),"Editors introduction",The Indian Journal of Labour Economocs,Vol.36,No 3, page 290.
- 8- Findeis, Jill L. & Daniel A. Lass," Labor Decisions by Agricultural Households: Interrelationships Between Off-farm Labor Supply and Hired Labor Demand", Northeast Regional Center for Rural Development and the Pennsylvania Department of Agriculture, page 9.
- 9- Hazell and S. Haggblade , (1990)," Rurl-urban linkage in India ", World Bank Working paper , No.430.
- 10- Jill L. Findeis & Daniel A. Lass(1998)," Labor Decisions by Agricultural Households: Interrelationships Between Off-farm Labor Supply and Hired Labor Demand", Northeast Regional Center for Rural Development and the Pennsylvania Department of Agriculture, page 9.
- 11- Jolliffe,D.,(1999) ,"The impact of Education in rural Ghana: Examining productivity and labour allocation effects", Mimeo ,Center for economic Research and Graduate Education , Charles University ,Progue.
- 12- Lonjouw , P. and Shariff,A.,(1997)," Rural poverty and non- farm employment in India: Evidence from survey data", Mimeo, Department of development Economics , Free University of Amesterdam.
- 13- Lanjouw ,Peter & Abusaleh Shariff,(2002), "Rural Non-Farm Employment in India: Access, Income and Poverty Impact " , Working paper , No81.
- 14- Möllers, Judith, and Gertrud Buchenrieder.(2005). "Theoretical Concepts for the Analysis of Non-Farm Rural Employment." Quarterly Journal of International Agriculture 44(1): 19-36.
- 15- Parminter,I.,(1997)," Off-farm income : Theory and practice, Rural resource , MAF policy ", Technical paper 97/5 , Ministry of Agricultural Wellington.
- 16- Perry , J. and B. Hopp,(1993),"Farm hoshould income estimates provide additional perspectives on farm families", Agricultural Income and Finance , (AF)49,USDA,ERS.

- 17- Pfluger , W ,(2000),"The rural non-farm sector",Natural Resource Institute ,Uk ,page 35-45.
- 18- Rao Prasada Mecharla,(2002) ,"The determinants of Rural Non-Farm employment in two villages of Andhra Pradesh(INDIA)", Prus Working paper , No.12 .
- 19- Rao,s( 1994),"Position,problems and prespects of rural Non-farm sector (RNFS) , Rple of NABARD recent policy initiatives", NABARD, Development policy Department,Bambay.
- 20- Reardon ,T. et all ,(2000)," Effects of non-farm employment on rural income inequality in developing countries : An investment perspective ", Journal of Agricultural Economics , Vol.51,N0.2, pp 266.288.
- 21-Singh , Surjit,(1993)," Some aspects of rural non-farm sector development in developing countries ", The Indian Journal of Labour Economocs,Vol.36,No 3, page 397.
- 22- Thorat , s.,(1993)," Land ownership structure and non-farm employment of rural in india " , The India Journal of Labour Economics , Vol.36,No.4,pp470-491.

# **Studying effective factors on rural nonfarm occupations in Khorasan province**

**Fatemeh paseban**

## **Abstract**

Unemployment/Employment are issues that relate to human and human complexity and his/her diverse necessities require the adoption of a multi-dimensional approach. To develop employment opportunities for individuals who seek employment, economic activities, failures and inefficiencies of labour market should be analyzed. This study will review effective factors on nonfarm rural occupations in Khorasan rural areas. The study objective is to review the existing situation and to design appropriate programs for employment generation in rural areas of Khorasan province.

The data was gathered through two questionnaires one related to occupation (1409) and one related to village. Logit model have been used to study the effective factors that influence the likelihood that an individual select non farm employment.

The results show 47.5% of individuals employ in farm sector and 52.5% of individuals employ in non farm occupation. It shows the main occupation of villagers is no longer farm related activities but non farm activities are also important. The coefficients of logit model show gender and literacy can affect the probability to select a particular occupation in non farm employment category, so special attention should be paid to educational programs (specific and general) in employment generation projects in rural areas of khorasan province. Changing look at rural and structural of rural nonfarm and increasing of investment will be advice.

**Key word: rural employment/nonfarm employment/ Khorasan province**